

رفع تحریم‌های داخلی مهم‌ترین اصلاح ساختاری اقتصاددر جنگ اقتصادی است

حذف موانعی که در داخل کشور بر سر راه تولید و سرمایه‌گذاری ایجاد شده‌اند، نه تنها قدرت اقتصاد ایران را برای مقابله با فشارهای خارجی افزایش می‌دهد، بلکه زمینه رشد پایدار، افزایش اشتغال، ارتقای بهره‌وری و بهبود رفاه عمومی را نیز فراهم می‌کند. اقتصاد ایران بیش از هر زمان دیگری به اصلاحات ساختاری نیاز دارد؛ اصلاحاتی که با رفع تحریم‌های داخلی، فضای فعالیت اقتصادی را روان‌تر کند و توان کشور را برای خنثی‌سازی آثار تحریم‌های خارجی به شکل پایدار افزایش دهد.

سال‌هاست که بخش مهمی از سیاست‌گذاری اقتصادی کشور بر مسئله تحریم‌های خارجی و راهکارهای مقابله با آن متمرکز شده است. بدون تردید، تحریم‌های بین‌المللی هزینه‌های قابل توجهی بر اقتصاد ایران تحمیل کرده‌اند، اما واقعیت این است که حتی اگر فرض کنیم تمامی این تحریم‌ها فردا لغو شوند، بخش مهمی از مشکلات اقتصاد کشور همچنان پابرجا خواهد بود. علت این مسئله وجود مجموعه‌ای از قوانین، مقررات، بروکراسی‌های پیچیده و سازوکارهای ناکارآمدی است که خود به نوعی تحریم داخلی علیه تولید، سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی تبدیل شده‌اند. از این منظر، دولت اگر به دنبال رونق اقتصادی و افزایش رفاه عمومی باشد، باید در کنار هرگونه تلاش دیپلماتیک، اصلاحات عمیق داخلی را نیز در اولویت قرار دهد. همان‌گونه که کشور در حوزه امنیتی و راهبردی به دنبال خنثی‌سازی فشارهای خارجی است، در اقتصاد نیز راهبرد اصلی باید خنثی‌سازی آثار تحریم‌های داخلی از طریق افزایش توان داخلی و همزمان حذف موانعی باشد که در داخل کشور ایجاد شده‌اند.

■ **اصلاح نظام بانکی و پایان خلق پول خارج از کنترل حاکمیت** یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصاد ایران، نحوه خلق پول در شبکه بانکی است. در سال‌های گذشته، بخش قابل توجهی از رشد نقدینگی ناشی از فعالیت بانک‌های خصوصی بوده که منابع جدید را عمدتاً از سمت شرکت‌های وابسته یا گروه‌های خاص هدایت کرده‌اند و سهم اندکی از آن به تولید واقعی رسیده است. نتیجه این روند، افزایش تورم، کاهش ارزش پول ملی و تشدید نابرابری اقتصادی بوده است. از این منظر، اصلاح نظام خلق پول می‌تواند یکی از مهم‌ترین اصلاحات ساختاری اقتصاد کشور باشد. دیدگاهی که معتقد است اختیار خلق پول باید به طور کامل در اختیار حاکمیت قرار گیرد و منابع پولی براساس سیاست‌های کلان و با رویکردی عادلانه توزیع شود و تلاش دارد از هدایت نقدینگی به فعالیت‌های غیرمولد جلوگیری کرده و منابع مالی را به سمت تولید و اشتغال سوق دهد.

■ **حذف مجوزهای پیشینی و اعتماد به مردم برای شروع کسب‌وکار** دومین تحریم داخلی، پیچیدگی فرایندهای اداری برای آغاز فعالیت‌های اقتصادی است. هنوز در بسیاری از حوزه‌ها، شروع یک کسب‌وکار مستلزم دریافت مجوزهای متعدد و طی کردن فرایندهای زمان‌بر است؛ فرایندهایی که نه تنها هزینه ورود به بازار را افزایش می‌دهند، بلکه انگیزه کارآفرینی را نیز کاهش می‌دهند. حرکت به سمت نظام نظارت پسینی، به این معنا که اصل بر آزادی فعالیت اقتصادی باشد و دولت تنها در صورت وقوع تخلف وارد عمل شود، می‌تواند بسیاری از این موانع را برطرف کند. چنین رویکردی علاوه بر کاهش بروکراسی، سرعت ایجاد کسب‌وکار، افزایش رقابت و رشد اشتغال را نیز در دسترس دولت و بخش بزرگ‌تر تمرکز بر صدور مجوز، به سمت نظارت مؤثر بر عملکرد فعالان اقتصادی هدایت می‌کند.

■ **کاهش هزینه‌های تحمیلی تولید؛اصلاح قوانین تأمین اجتماعی** یکی دیگر از موانع جدی تولید، هزینه‌هایی است که تحت عنوان حق بیمه قرار دارد؛ بخش قابل توجهی از این حق بیمه، این شروع یک کار که در بسیاری از قراردادها بین ۶ تا ۱۶ درصد ارزش قرارداد را شامل می‌شود، بدون آنکه الزاماً فرد جدیدی تحت پوشش بیمه قرار گیرد، کاهش اجرای پروژه‌ها را افزایش می‌دهد و همکاری میان بنگاه‌های اقتصادی را دشوارتر می‌کند. حذف این سبزه‌زار و جایگزینی آن با دریافت حق بیمه صرفاً بر مبنای فهرست واقعی کارکنان، می‌تواند ضمن حفظ حقوق بیمه‌شدگان، از تحمیل هزینه‌های اضافی به تولید جلوگیری کند. کاهش هزینه‌های میداله، افزایش پیش‌بینی‌پذیری فعالیت‌های اقتصادی و بهبود فضای کسب‌وکار از مهم‌ترین نتایج چنین اصلاحی خواهد بود.

■ **اصلاح ساختار مالیاتی و بازنگری در سیاست‌های انرژی**

یکی دیگر از محورهای اصلاحات داخلی، بازنگری در نظام مالیاتی و سیاست‌های انرژی است. منتقدان ساختار فعلی معتقدند تعدد مالیات‌های مستقیم و هزینه‌های بالای تمکین مالیاتی، فشار مضاعفی بر بخش مولد اقتصاد وارد کرده است. از این منظر، پیشنهاد جایگزینی مالیات‌های درآمدی با یک عوارض ساده بر تراکشن‌های بانکی، با هدف کاهش پیچیدگی نظام مالیاتی، افزایش شفافیت مطرح می‌شود. در کنار آن، اصلاح پاره‌پاره انرژی نیز به عنوان امری ضروری رویکرد پیشنهاد می‌شود، به‌گونه‌ای که فعالیت‌های اقتصادی از معافیت مالیاتی گسترده‌تر برخوردار شوند، اما انرژی را با قیمت واقعی دریافت کنند. هدف این رویکرد، کاهش خسارت مصرف انرژی، جلوگیری از اتلاف منابع و ایجاد محیطی رقابتی‌تر برای تولید است.

■ **پایان انحصار زمین و آزادسازی ظرفیت‌های تولید**

موضوع زمین نیز از جمله حوزه‌هایی است که بسیاری از کارشناسان آن را یکی از عوامل افزایش هزینه‌های تولید و معیشت می‌دانند. محدود بودن عرضه زمین برای ساخت مسکن، ایجاد واحدهای تجاری، توسعه فعالیت‌های کشاورزی و بهره‌برداری از مراتع، موجب افزایش شدید قیمت دارایی‌های ملکی و انتقال سرمایه‌به بازارهای غیرمولد شده است. کاهش این انحصار و تسهیل دسترسی به زمین، می‌تواند زمینه افزایش قیمت‌ها، ساخت‌وساز، فعالیت مسکن، توسعه فعالیت‌های کشاورزی و دامداری و کاهش هزینه تولید مواد غذایی را فراهم کند. آزادسازی ظرفیت‌های بلااستفاده، در صورت همراهی با ضوابط محیط‌زیستی و برنامه‌ریزی دقیق، می‌تواند یکی از پیشران‌های رشد اقتصادی کشور باشد.

■ **اولویت اقتصاد، اصلاحات داخلی است**

تجربه بسیاری از کشورها نشان داده است موفقیت اقتصادی بیش از هر چیز به کیفیت حکمرانی داخلی وابسته است. هر چند سیاست خارجی می‌تواند تعاملات بین‌المللی اهمیت بالایی دارند، اما اقتصاد توانمند زمانی شکل می‌گیرد که مقررات داخلی در خدمت تولید، سرمایه‌گذاری و نوآوری باشد. کاهش بروکراسی، اصلاح نظام بانکی، بازنگری در قوانین مالیاتی و بیمه‌ای و افزایش آزادی فعالیت اقتصادی، ظرفیت‌هایی هستند که مستقل از شرایط بین‌المللی قابل تحقق هستند و می‌توانند مقاومت اقتصاد را در برابر فشارهای خارجی افزایش دهند.

■ **خنثی‌سازی تحریم‌ها با اصلاحات ساختاری**

اگر دولت به دنبال کاهش اثر تحریم‌های خارجی است، اصلاح ساختارهای داخلی باید در کنار دیپلماسی اقتصادی قرار گیرد. حذف عرومی که در داخل کشور بر سر راه تولید و سرمایه‌گذاری ایجاد شده‌اند، نه تنها قدرت اقتصاد ایران را برای مقابله با فشارهای خارجی افزایش می‌دهد، بلکه زمینه رشد پایدار، افزایش اشتغال، ارتقای بهره‌وری و بهبود رفاه عمومی را نیز فراهم می‌کند. اقتصاد ایران بیش از هر زمان دیگری به اصلاحات ساختاری نیاز دارد؛ اصلاحاتی که با رفع تحریم‌های داخلی، فضای فعالیت اقتصادی را روان‌تر کرده و توان کشور را برای خنثی‌سازی آثار تحریم‌های خارجی به شکل پایدار افزایش دهد.

شفافیت یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب برای مردم و دولت است، چراکه مهم‌ترین تأثیر ارتقای شفافیت اقتصادی دولت، پایین آمدن فساد دولتی است. ایران اقدامات بسیاری را برای ارتقای شفافیت انجام داده و حتی در سال ۱۳۸۸ نیز به «کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد» پیوسته است. همچنین شفافیت به عنوان یک رکن مهم در اسناد بالادستی کشور مانند «سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی» نیز مورد تأکید قرار گرفته و قوانینی همچون «قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» وضع شده است. اما با وجود این نتایج قانع‌کننده‌ای در زمینه شفافیت کسب نشده است. در همین راستا دولت با هدف افزایش شفافیت جریان‌های درآمدی دولت، تسهیل رهگیری منابع و کاهش خطا در ثبت و تخصیص دریاقت‌های دولتی را در دستور کار خود قرار داده است. از این پس، با بخشنامه جدید خزانه‌داری کل کشور، مسیر وصول همه درآمدهای عمومی و اختصاصی دولت یکپارچه شد و دستگاه‌ها از این پس فقط از طریق شناسه واریز مجاز به دریافت وجوه هستند.

■ ■ ■

شرکت‌های دولتی به شرکت‌های تحت مالکیت و اداره دولت می‌گویند که بخش بزرگی از اقتصاد کشور را شامل می‌شود و از این‌رو نیز نقش بسزایی در اقتصاد بسیاری از کشورها دارند و عملکرد مالی آنها تأثیر مستقیمی بر رشد و توسعه اقتصادی کشور دارد. در ایران نیز سهم بزرگی از بودجه سالانه به شرکت‌های دولتی اختصاص می‌یابد. بنابراین ایجاد شفافیت در صورت‌های مالی شرکت‌های دولتی برای شفافیت این بخش مهم اقتصادی در حوزه عملکردی و دارایی‌های زیرنظر این بخش بزرگ از اقتصاد بسیار

گزارش ۲ نرس گودرزی

مهم است.

در بیشتر کشورها، هدف اصلی این شرکت‌ها، تأمین نیازهای عمومی و ارائه خدمات به شهروندان است، اما در ایران، شرکت‌های دولتی به دلیل فراوانی و تنوع بالا از جمله ارائه‌دهندگان خدمات آری، تولیدکنندگان محصولات صنعتی و معدنی و حتی شرکت‌های بزرگ نفتی و گازی هستند. بنابراین

اقتصاد

سرویس اقتصادی۲۰۲۳۰۶۰۸۵۵۲۳

خزانه‌داری حساب دریافت درآمدهای دولت را شفاف کرد

باجرای شناسه واریز باهدف افزایش شفافیت جریان‌های درآمدی دولت تسهیل رهگیری منابع و کاهش خطا در ثبت و تخصیص دریافت‌های دولتی در دستور کار دولت قرار گرفت



مهناز رحیملو | ایبنا

شفافیت در شرکت‌های دولتی به منظور بهبود عملکرد مدیران دولتی، بهره‌وری بیشتر در استفاده از دارایی‌های دولتی بسیار اهمیت دارد. بررسی رتبه‌بندی سازمان شفافیت بین‌الملل از سال ۲۰۱۲ تا کنون نشان می‌دهد که ایران در طول این مدت در دهک سوم قرار داشته و تغییر محسوسی در امتیازات کسب شده ایران در زمینه شفافیت

حاصل نشده و نهایتاً موفق به کسب امتیاز ۳۰ شده است. این در حالی است که سنگاپور با قرار گرفتن در دهک نهم، در جمع شفاف‌ترین کشورهای جهان قرار دارد و از سال ۲۰۱۲ تاکنون نیز کمترین امتیاز آن ۸۴ بوده است.

■ **صورت‌های مالی دستگاه‌های دولتی شفاف می‌شود**

به گزارش تسنیم، خزانه‌داری کل کشور در

سرایت تبعات اقتصادی جنگ علیه ایران به بازار فرآورده‌های نفتی

جنگ علیه ایران، دامن اقتصاد جهان را گرفته است؛ از وحشت ۱۰۰ میلیونی مدیرعامل آرامکو تا ضرر ۷۰ میلیون یورویی ایرلاین اروپایی از کمبود سوخت

در محدوده ۲/۴درصد قرار داشت، طی سه ماه به حدود ۴/۲ درصد برسد. همچنین شاخص تورم مبتنی بر مخارج مصرف شخصی (PCE) نیز از ۲/۹ درصد به ۴/۱ درصد افزایش یافت که بالاترین سطح از بهار سال ۲۰۲۳ محسوب می‌شود.

اگرچه بخش عمده این افزایش به رشد قیمت حامل‌های انرژی مربوط بوده، اما آثار آن به تدریج به سایر بخش‌های اقتصاد نیز سرایت کرده است؛ به‌گونه‌ای که تورم هسته نیز روند نزولی خود را متوقف کرده و مجدداً افزایش یافته است. این موضوع از نگاه سیاست‌گذاران پولی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا نشان می‌دهد فشارهای تورمی صرفاً محدود به بازار انرژی نیست. گزارش‌ها همچنین نشان می‌دهد، هزینه تولید در آمریکا با سرعت بیشتری نسبت به قیمت فروش کالاها افزایش یافته است. نرخ تورم تولیدکننده در ماه مه به ۹/۵ درصد رسید که بالاترین رقم در حدود سه‌سال‌ونیم گذشته بوده و نسبت به سطح ۲/۹ درصدی پیش از جنگ افزایش محسوسی داشته است. پژوهشگران معتقدند این روند می‌تواند در ماه‌های آینده به افزایش بیشتر قیمت کالاها و خدمات مصرفی منجر شود.

از سوی دیگر، اختلال رفت‌وآمد کشتی‌ها در تنگه هرمز، تب قیمت مواد غذایی به ویژه گوشت گاو را هم در آمریکا بالا برد. مارک وارنر، نماینده ایالت ویرجینیا در مجلس سنای آمریکا می‌گوید: «قیمت گوشت گاو در آمریکا ۱۲ درصد و مواد غذایی ۴ درصد افزایش یافت.» اختلال در حمل‌ونقل دریایی از طریق تنگه هرمز دلیل اصلی رشد قیمت از سوی کارشناسان این حوزه مطرح شده است. طبق آمارهای روترز، آمریکا به دلیل خشکسالی و افزایش تقاضای تن وارد می‌کند. افزایش هزینه انرژی، حمل‌ونقل و بیمه کشتی‌ها قیمت گوشت وارداتی و تولید داخلی را گران کرده است.

■ **تهدید برای تولید کبود وامیبت غذایی**

اختلالات ناشی از جنگ و انسداد تنگه هرمز به بازار جهانی اسید سولفوریک نیز سرایت کرده و نگرانی‌ها درباره تأمین یکی از مهم‌ترین مواد اولیه صنایع معدنی، انرژی و کشاورزی را افزایش داده است. براساس ارزیابی‌ها، غرب آسیا حدود ۲۴ درصد از تولید جهانی گوگرد را در اختیار دارد و هر گونه اختلال در تولید این ماده می‌تواند ذخیره آن را کاهش دهد. برای تأثیر قرار دهد در عین حال، بسیاری از تولیدکنندگان تنها برای مدت کوتاه و حداکثر دو ماه ذخایر این ماده را در اختیار دارند. کمبود اسید سولفوریک تولید طیف وسیعی از فلزات اساسی را با مشکل مواجه می‌کند. برآوردها نشان می‌دهد حدود ۲۰ درصد تولید جهانی مس، ۵۰ درصد تولید اورانیوم و ۳۰ درصد تولید نیکل به این ماده وابسته است و کاهش عرضه آن، تولید این محصولات را با ریسک مواجه می‌کند. رقابت بر سر تأمین اسید سولفوریک تنها به صنایع معدنی محدود نمی‌شود. حدود ۶۰ درصد مصرف جهانی این ماده به تولید کودهای فسفاته اختصاص دارد؛ موضوعی که کاهش عرضه را به چالشی برای بخش کشاورزی و امنیت غذایی نیز تبدیل کرده است.

کارشناسان معتقدند تداوم محدودیت در عرضه اسید سولفوریک می‌تواند ظرفیت تولید کودهای شیمیایی را کاهش داده و در ادامه، به هزینه تولید محصولات کشاورزی و بازار جهانی مواد غذایی اثرگذار باشد. همزمان با افزایش نگرانی‌ها درباره عرضه، برخی کشورهای تولیدکننده از جمله روسیه، قزاقستان و ترکیه برای تأمین نیاز صنایع داخلی، محدودیت‌هایی بر صادرات گوگرد اعمال کرده‌اند؛ اقدامی که فشار بر بازار جهانی اسید سولفوریک را افزایش داده است. بررسی‌ها همچنین نشان می‌دهد، حتی در صورت بازگشایی کامل مسیرهای حمل‌ونقل، آسیب‌های وارد شده به زیرساخت‌های انرژی و اختلال در زنجیره تأمین می‌تواند کمبود این ماده اولیه را برای مدت طولانی‌تری در بازار جهانی تداوم بخشد.

جت، نگرانی‌های جدی برای تأمین انرژی در ماه‌های پیش رو ایجاد کرده است. همزمان با این اظهارات، گزارش‌ها نشان می‌دهد ذخایر استراتژیک هم‌زمان به دو متغیر کلیدی توجه کرد: قیمت نفت خام و ظرفیت پالایش. زیرا محدودیت در هر یک از دو بخش می‌تواند قیمت سوخت را در سطوح بالا حفظ کند. با توجه به موارد مطرح شده از سوی مدیرعامل اکسون، به نظر می‌رسد با توجه به کاهش ظرفیت پالایشی چه در کشورهای جنوبی خلیج فارس و چه در روسیه، قیمت جهانی سوخت حتی در صورت پایان جنگ و کاهش تنش‌ها همچنان بالاتر از آغاز جنگ آمریکا علیه ایران باقی بماند. ■ **تنگه هرمز بلیت هوایما در اروپا را ۵۰ درصد گران کرد** ادامه بحران تنگه هرمز به افزایش بی‌سابقه قیمت سوخت هوایما یک نیز منجر شده و هزینه‌های سفر هوایی را تا مرز تبدیل شدن به یک کالای لوکس افزایش داده است. این بحران در حالی گریبانگیر قاره سبز شده که حدود ۴۰ درصد از واردات اروپا از سوخت هوایی تصفیه شده از طریق تنگه هرمز تأمین می‌شود و هر گونه اختلال در این ابراه حیاتی، صنعت حمل‌ونقل هوایی اروپا را به لوله‌ری درمی‌آورد. مسافران اروپایی از افزایش چشمگیر قیمت بلیت‌های هوایما گلهمند هستند. قیمت بلیت‌ها در آلمان نسبت به سایر نقاط به طور محسوسی بالاتر است و این وضعیت را برای مردم بسیار غم‌انگیز کرده است. مردم آلمان می‌گویند قیمت بلیت هوایما نسبت به سال گذشته ۵۰ درصد افزایش یافته است، رقمی که نشان از عمق بحران در صنعت هوانوردی اروپا دارد. در این میان، کلاودیا کیفمتر، تحلیلگر اقتصادی از آلمان هشدار داده ادامه بحران در ماه‌های آینده ممکن است شرکت‌های بزرگ هوایمایی را مجبور به توقف برخی پروازها با افزایش قابل توجه قیمت بلیت‌ها کند. شرکت هوایمایی لوفتهانزا به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های هوایمایی اروپا، در تابستان امسال ۲۰ هزار پرواز کوتاه‌برد را لغو کرده است. این اقدام در راستای کاهش قیمت بلیت هواپیماهای صورت گرفته و نشان از عمق فشار وارد به صنعت هوانوردی اروپا دارد. علاوه بر لوفتهانزا، شرکت‌های معروف دیگری مانند رایان‌ایر و ایزی‌جت نیز نسبت به کاهش سودآوری خود در صورت ادامه این وضعیت هشدار داده‌اند. براساس گزارش رسانه‌های غربی، شرکت‌های هوایمایی اروپایی که از نظر مالی در وضعیت ضعیفی‌تر قرار دارند، با فشارهای فزاینده‌ای مواجه شده‌اند که ممکن است آنها را به سمت بازسازی ساختاری، ادغام یا خریداری شرکت توسط شرکت‌های دیگر سوق دهد.

■ **اندونزی به تغییر سوخت روی آورد**

همزمان با افزایش نگرانی‌ها درباره اختلال در عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز، اندونزی طرح جایگزینی کپسول‌های LPG وارداتی با کپسول‌های ۳ کیلویی گاز طبیعی فشرده (CNG) را نهایی کرده است. براساس گزارش اسپوتنیک، دولت اندونزی اعلام کرد آزمایش پیلای این کپسول‌ها در صورتی که کالیبرانتان تکیه کرده است. CNG با فشار ۲۰۰ تا ۲۵۰ بار ذخیره می‌شود؛ فشاری که چندین برابر LPG است. این اقدام می‌تواند وابستگی میلیون‌ها خانوار اندونزیایی به سوخت وارداتی را کاهش دهد. ■ **زخم جنگ بر اقتصاد آمریکا گرازیگر تر شد**

افزایش قیمت فرآورده‌ها اکنون به یک مسئله سیاسی در آمریکانیز تبدیل شده است. قیمت بنزین در آمریکا بار دیگر از میانگین ۴/۵دلار برای هر گالن عبور کرده است، سطحی که معمولاً حساسیت زیادی در افکار عمومی آمریکا ایجاد می‌کند. برای دولت فعلی آمریکا، این موضوع تنها یک مسئله اقتصادی نیست. افزایش قیمت سوخت مستقیماً بر هزینه زندگی خانوارها اثر می‌گذارد و می‌تواند در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره، به یکی از نقاط ضعف دولت جمهوریخواه تبدیل شود. به همین دلیل، کاهش خدماتی که مراکز جهان خرید، دهها میلیارد دلار بیشتر از صادرات این کشور بوده است، ادامه این روند، فشار بر تولید داخلی و وابستگی بیشتر به واردات را پورنگ‌تر می‌کند.

همچنین گزارش‌ها نشان می‌دهد شوک ناشی از افزایش قیمت انرژی باعث شد تورم مصرف‌کننده آمریکا که پیش از آغاز بحران انرژی باعث شده بود تورم مصرف‌کننده آمریکا به پیش از آغاز بحران